

”

چیزی که باعث می‌شود یک ارزش مداوم پیدا کند، فارغ از پیشرفت یا هر ارزش دیگری، نسبت آن ارزش با حیات جاری خودش است.

من دیده شود یا نه؟ من ۱۰ تا مسأله دارم. کدام یک از آنها به واسطه پیشرفت حل شده است؟ این می‌شود همان نگاه انضمامی. پس یک مقدمه بزرگ دارد و زمینه می‌خواهد تا وارد شوییم به مقوله رسانه.

### یعنی دانش و فناوری قبل از رسانه باید خودش را از طریق ورود در کف جامعه اثبات می‌کرد؟

نه. در مورد خودش اولاً سؤال می‌کنیم که این قابلیت هست یا نه؟ این پیشرفت‌هایی که ما کرده‌ایم، ناظر به چیست؟ پیشرفت برای پیشرفت است یا پیشرفت برای حل مثلاً بعضی از مسائل جامعه و رشد جامعه به شکلی که همه آن را احساس نکنند؟ طبیعتاً همه این پیشرفت‌ها تقریباً نصیبی از این نسبت دارد. متأسفانه پیشرفت در جامعه ما به عنوان ارزش اول و عمومی محسوب نمی‌شود. چرا؟ الان آنجا می‌توانیم رد رسانه را بنیم. منتها قبل از اینکه به رسانه برویم، گفتم آیا واقعاً پیشرفت‌هایی که اتفاق افتاده، فارغ از آگاهی مردم واقعاً در جهت حل و گشایش حیات اجتماعی مان بوده یا فانتزی‌های علمی هستند؟ فقط نهاد علم فریه شده یا نخبگان و خواص لذت برده‌اند یا دستاوردها را برداشته و به خارج برده‌اند؟ پس وقتی این سؤال پرسیده می‌شود، خودبه‌خود مسیر مشخص می‌شود. قبول می‌کنیم پیشرفت اتفاق افتاده است. پیشرفت در کدام حوزه؟ آیا حیات واقعی و عینی مردم از پیشرفت‌ها متأثر و متحول شده است؟ مردم از قبل از پیشرفتی که در فلان حوزه اتفاق افتاده، زندگی‌شان متحول و متأثر شده است؟ این شاید به ما کمک کند که به ابعاد مختلف پیشرفت هم توجه داشته باشیم. مثلاً پیشرفت را ما می‌آوریم معمولاً در حوزه‌های تکنولوژیکی می‌بینیم. الان ما رویکرد یا گفتمان پیشرفتی که سعی کردیم در دهه اخیر در جامعه جا بیندازیم، آن گفتمان پیشرفت، بیش از اندازه ماتریالیستی یا تکنولوژیکی است. درست‌تر بگوییم. نقطه مقابلش قرار بود چه بشود؟ پیشرفت نرم‌افزاری. پیشرفت در سیاست‌گذاری. مثلاً در حوزه اقتصاد پیشرفت چه می‌توانست باشد؟ برنامه‌ریزی درست اقتصادی. حتماً زیرساخت و اینها هم لازم است. یا پیشرفت در علوم انسانی. اینها پیشرفت شمرده نمی‌شوند. از حوزه اقتصادی تا سایر حوزه‌های علوم انسانی، ما اینها را متأسفانه نتوانسته‌ایم در مقوله پیشرفتی بشماریم. می‌پرسیم که

هر ارزش دیگری، نسبت آن ارزش با حیات جاری خودش است. اگر نسبتش زیاد باشد، آن ارزش مماس با وضعیت جاری جامعه ادامه می‌یابد و نقش مثبتی در وضعیت جاری جامعه دارد یا پاسخ یکسری مسائل و نیازهای امروزی را می‌دهد، آن وقت معتبر است و امتداد پیدا می‌کند. در واقع ارزش مستمر محسوب می‌شود. وقتی از ارزشی به نام دانش صحبت می‌کنیم و می‌گوییم که دانش ارزش است، باید بتوانیم کارایی و کارآمدی ارزشی به نام دانش را در وضعیت جدید جامعه هم اثبات کنیم تا بتوانیم این را به نسل‌های جدید هم بگوییم که ما باید به دنبال ارزشی به نام دانش برویم. پس یکی این منظر هست که متأسفانه ما در دوره‌های مختلف با وجود اینکه ظرفیت ارزشی جامعه بالا بوده، حتی ارزشی به نام پیشرفت به عنوان یک ارزش دیرین جامعه ایران، متأسفانه نتوانسته‌ایم در بعضی دوره‌ها از جمله امروز شاهد امتدادش باشیم. چرا که نتوانسته‌ایم به اعتبار آن ارزش، ارزش دانش و ارزشی به نام پیشرفت در حوزه‌های مختلف به مسائل جامعه‌مان جواب بدهیم و حل کنیم؛ بنابراین ارزش مقوله پیشرفت کم‌رنگ شده است. هر چقدر می‌گوییم پیشرفت، پیشرفت، پیشرفت؛ می‌گویند: بالاخره این پیشرفت باید در زندگی

”

از حوزه اقتصادی تا سایر حوزه‌های علوم انسانی، ما اینها را متأسفانه نتوانسته‌ایم در مقوله پیشرفتی بشماریم.

